

ایران ورزشی

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
- تلفن: ۱۴ ۰۸۵۵۴۱۳۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۷۳
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۰۸۵۵۱۳۰۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
- امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۷۴۱۹۵۴ - ۸۸۵۲۱۹۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

از توهین تماشاگران تا لغو مسابقه؛ حلقه مفقوده فوتبال ایران کجاست؟

فوتبال در بن بست سکوهای ناآرام



عکس: فدراسیون فوتبال

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور

خبرنگار

قایقران بندرانزلی برای برگزاری مسابقه حاضر شدند، اما سوت آغاز هرگز به صدا درنیامد. باشگاه تراکتور اعلام کرد به‌دلیل توهین و استفاده از الفاظ ناشایست از سوی بخشی از تماشاگران، تیمش حاضر به بازی نیست. بازیکنان به رختکن بازگشتند و پس از مدتی بلا تکلیفی، دیدار لغو شد.

محمدرضا کشوری‌فرد، دبیر سازمان لیگ، در گفت‌وگو با سایت این سازمان گفت: «با توجه به شرایطی که در ورزشگاه سیروس قایقران انزلی پیش آمد و عده‌ای از تماشاگران در ورزشگاه توهین کردند و الفاظ ناشایستی به کار بردند، سوت آغاز مسابقه زده نشد.» به گفته او، سازمان لیگ منتظر گزارش رسمی مسئول برگزاری و داور مسابقه بود تا پرونده

از رأی انضباطی تا برنامه پیشگیری

برای عبور از چرخه تکراری «حادثه، توقف، گزارش و رأی»، فوتبال ایران به سازوکاری نیاز دارد که سه سطح را همزمان پوشش دهد. نخست، قواعد باید دقیق و عمومی باشند. تماشاگر، باشگاه و برگزارکننده باید بدانند چه رفتارهایی ممنوع‌اند و هر تخلف چه پیامدی دارد. این قواعد باید از پیش اعلام شوند و اجرای آنها به تصمیم‌های سودی و پیش‌بینی ناپذیر وابسته نباشد. دوم، امکان شناسایی و رسیدگی فردی باید تقویت شود. هدف این نیست که هر اختلاف یا شعار نامناسب با شدیدترین مجازات پاسخ داده شود؛

در حالی که فوتبال ایران همچنان بر سر نحوه برخورد با تخلفات سکوها در الگوی تکرارشونده «جریمه، محرومیت، فراموشی» گرفتار است، تجربه جهانی در ۲ دهه گذشته مسیر متفاوتی را طی کرده است؛ حرکت از تنبیه تماشاگر بی‌نام به سمت شناسایی و پاسخگویی فرد خاطی. ستون فقرات این رویکرد در انگلیس، «حکم منع فوتبال» (FBO) است. دادگاه می‌تواند فرد خاطی را بین ۳ تا ۱۰ سال از حضور در تمام مسابقات تحت نظارت در بریتانیا و محوطه اطراف استادیوم منع کند؛ نقض حکم تا ۶ ماه حبس و جریمه نامحدود دارد و در آستانه رقابت‌های بین‌المللی، پلیس، گذرنامه دارندگان این احکام را جمع‌آوری می‌کند. در فصل

به کمیته انضباطی ارجاع شود و این کمیته درباره آن تصمیم بگیرد.» این توضیح، روند اداری رسیدگی به اتفاقات انزلی را مشخص می‌کند، اما پاسخ روشنی به پرسش اصلی نمی‌دهد: وقتی توهین در سکوها به توقف یک مسابقه منجر می‌شود، چه نهادی باید آن را مهار کند؟ این‌راهای این مداخله چیست؟ چرا پس از بیش از ربع قرن برگزاری لیگ حرفه‌ای، واکنش به چنین اتفاقاتی همچنان به گزارش داور و صدور رأی انضباطی پس از وقوع تخلف وابسته است؟

حادثه‌ای که فقط یک مسابقه را متوقف نکرد

در نگاه اول، اتفاق انزلی ممکن است رخدادی مقطعی به نظر برسد که باید پس از بررسی گزارش‌ها و شنیدن

هدف آن است که در مواردی که تخلف روشن و قابل اثبات است، رفتار فردی با واکنشی متناسب روبه‌رو شود. چنین رویکردی هم از مجازات بی‌گناهان می‌کاهد و هم مسئولیت را از سطح جمعیت به مرتکب واقعی منتقل می‌کند. سوم، هر رأی انضباطی باید با ارزیابی اجرایی همراه باشد. اگر بازی متوقف شده، باید روشن شود چه مرحله‌ای طی شده، کدام نهادها درگیر بودند و چه تغییراتی برای مسابقه‌های بعدی لازم است. انتشار خلاصه‌ای از یافته‌ها، بدون نقض حقوق اشخاص یا آسیب‌زدن به روند رسیدگی، می‌تواند اعتماد عمومی

چرا واکنش‌های کلی کارآمد نیستند؟

مجازات جمعی معمولاً نشانه آن است که تشخیص‌دهی و پیگیری فردی دشوار بوده یا سازوکار مناسبی برای آن وجود ندارد. اگر شناسایی متخلف ممکن نباشد، نهادهای مسئول ممکن است به جای مجازات فرد، کل یک بخش از ورزشگاه یا تمام تماشاگران یک تیم را هدف قرار دهند. این روش گاهی از نظر اجرایی ساده‌تر است اما عدالت و انربخشی آن محل تردید می‌ماند. از سوی دیگر، جریمه مالی باشگاه نیز اگر

قابل اجرا را دربرمی‌گیرد. اگر حلقه‌ای از این زنجیره ناقص باشد، واکنش‌ها معمولاً دیر هنگام و کلی خواهند بود. مجازات یک باشگاه یا محروم کردن همه تماشاگران نیز ممکن است به افرادی آسیب بزند که هیچ نقشی در تخلف نداشته‌اند. لغو مسابقه در انزلی را می‌توان نشانه‌ای از ناکارآمدی یا دست‌کم ناتمام ماندن فرآیند پیشگیری و مداخله دانست. تصمیم‌گیری درباره آغاز یا توقف بازی در لحظه‌ای حساس انجام می‌شود، اما این تصمیم به‌تنهایی نمی‌تواند جایگزین نظامی پایدار برای پیشگیری از تکرار تخلفات شود. اگر قرار باشد هر اتفاق مشابهی به توقف مسابقه و تشکیل پرونده انضباطی ختم شود، اصل مسأله همچنان پابرجا خواهد ماند.

کنترل سکوها

مسئولیت یک نهاد نیست

یکی از دشواری‌های مدیریت ورزشگاه، تعدد بازیگران مسئول است. فدراسیون و سازمان لیگ قواعد مسابقات و چهارچوب انضباطی را تعیین می‌کنند. باشگاه میزبان در ساماندهی ورزشگاه و ارتباط با هواداران نقش دارد. مسئولان برگزاری و عوامل اجرایی موظف‌اند مقررات را در محل اجرا کنند. نیروهای انتظامی نیز بر اساس وظایف و اختیارات خود در حفظ نظم مشارکت دارند. داور و ناظر مسابقه هم خداهای مرتبط با بازی را ثبت و گزارش می‌کنند. تعدد نهادهای مسئول، به خودی خود ایراد محسوب نمی‌شود؛ مسأله زمانی شکل می‌گیرد که مرز مسئولیت‌ها روشن نباشد یا هر نهاد بخشی از وظایف خود را به دیگری واگذار کند. در چنین شرایطی، ممکن است پس از پایان اتفاق، گزارشی تهیه و پرونده‌ای به کمیته انضباطی ارجاع شود، اما هنگام وقوع تخلف، پاسخ روشنی برای پرسش‌های فوری وجود نداشته باشد؛ چه کسی باید تذکر دهد؟ چه کسی اختیار توقف یا به تعویق انداختن مسابقه را دارد؟ چه نهادی مسئول ثبت رفتار فرد خاطی است و پیگیری‌های پس از بازی را برعهده می‌گیرد؟ اگر قرار است ورزشگاه‌ها امن‌تر شوند، مسئولیت‌ها باید پیش از مسابقه تعریف شوند، نه پس از شکل‌گیری چالش. باشگاه میزبان باید بداند چه استانداردهایی در زمینه بلیت‌فروشی، کنترل ورودی‌ها، استقرار نیروها و ثبت رویدادها از آن انتظار می‌رود. برگزارکننده نیز باید رویه‌ای مشخص برای تشخیص تخلف و واکنش مرحله به مرحله داشته باشد. کمیته انضباطی هم باید بر اساس قواعدی روشن و قابل پیش‌بینی تصمیم بگیرد، نه صرفاً مجموعه‌ای از پرونده‌های جداگانه که نتیجه رسیدگی به آنها برای باشگاه‌ها و تماشاگران نامعلوم است.

کارآمدی تحریم‌های جمعی است.

البته مسیر یگسان نیست. در آلمان، پیشنهاد بلیت شخصی‌شده و تشخیص چهره با مقاومت گسترده هواداران روبه‌رو شد و در نشست وزیران کشور (دسامبر ۲۰۲۵) از دستور کار خارج شد. این تجربه هشدار می‌دهد که فناوری کنترل، بدون همراهی فرهنگ هواداری، می‌تواند به ضرر فوتبال تبدیل شود. جمع‌بندی تجربه جهانی روشن است، کنترل فضای استادیوم یا «اعلام ممنوعیتی» با «سنت سکو» محقق نمی‌شود؛ با ایجاد زنجیره‌ای از بلیت قابل‌ردیابی، شناسایی فردی، مسئولیت حقوقی مشخص و اجرای قطعی مجازات فردی محقق می‌شود. فوتبال ایران در این زنجیره، هنوز در حلقه اول ایستاده است.



تخلف به‌روشنی تعریف شده باشد، احتمال شناسایی مرتکب واقعی باشد، رسیدگی در زمانی معقول انجام شود، و مجازات با نوع و شدت رفتار تناسب داشته باشد. اگر هر کدام از این حلقه‌ها غایب باشد، سختگیری در حکم لزوماً به کاهش تخلف نمی‌انجامد. مجازات سنگین اما نامحتمل، یا مجازات قطعی اما ناعادلانه، نمی‌تواند جایگزین اجرای دقیق قواعد شود.

ابزار بازاردنگی که محل اختلاف شد

بحث درباره حدود مجازات تماشاگران، پیش‌تر هم در فوتبال ایران مطرح شده است. در فروردین ۱۴۰۴، پس از حواشی دیدار پرسپولیس و تراکتور، کمیته انضباطی تماشاگران دو تیم را از حضور در دیدارهای رودرزو در دو فصل آینده محروم کرد. کمیته استیناف بخش عمده این حکم را تأیید کرد و جریمه نقدی یک میلیارد تومانی برای هر باشگاه نیز قطعی شد. چنین محرومیتی از نظر بازاردنگی سنگین است اما با یک ایراد جدی روبه‌رو است؛ اگر تخلف را گروهی از افراد مرتکب شده‌اند، چرا همه تماشاگران از جمله هواداران بی‌تخلف باید هزینه آن را بپردازند؟ پاسخ ساده‌ای وجود ندارد. محرومیت گسترده ممکن است پیام روشنی درباره جدیت نهادهای فوتبال بدهد اما در عین حال می‌تواند مجازات جمعی را به قاعده تبدیل کند و حق تماشاگرانی را که مرتکب تخلف نشده‌اند، محدود سازد.

بر این اساس مناقشه اصلی نباید تنها بر سر «محروم کردن یا محروم نکردن» تماشاگران باشد. پرسش مهم‌ترین است که آیا فوتبال ایران ابزارهای دقیق‌تری برای پاسخگویی دارد؟ آیا می‌تواند فرد خاطی را از میان جمعیت شناسایی کند، برای او محرومیت مشخص و قابل پیگیری در نظر بگیرد و به باشگاه میزبان یا برگزارکننده نشان دهد که مسئولیت‌ها و استانداردها دقیقاً چیست؟

در شهریور ۱۴۰۵، سخنگوی فدراسیون اعلام کرد مهدی تاج، رئیس فدراسیون، بر «ممنوعیت صدور حکم محرومیت تماشاگران برای تیم‌های لیگ برتری» تأکید کرده است. چون این ادعا به یک موضع رسمی و مهم نسبت داده شده، ارزیابی دقیق آن باید برپایه متن یا اظهارات رسمی فدراسیون انجام شود. اما اگر چنین سیاستی اجرا شود، پرسش درباره جایگزین‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ وقتی محرومیت جمعی کنار می‌رود، چه راهکاری قرار است نقش بازدارنده را ایفا کند؟ مدافعان این سیاست می‌گویند نباید همه تماشاگران را به خاطر رفتار گروهی اندک از حضور در ورزشگاه محروم کرد. این استدلال از نظر عدالت فردی قابل‌توجه است. اما حذف یک ابزار، بدون معرفی ابزارهای دقیق‌تر، می‌تواند پیامد دیگری داشته باشد؛ کاهش هزینه تخلف برای مرتکبان و افزایش احتمال تکرار آن. سیاست مؤثر باید هم از مجازات بی‌گناهان پرهیز کند و هم برای متخلفان پیامدی روشن، سریع و قابل اجرا داشته باشد.

عده‌ای از تماشاگران؛ عبارت مبهم در یک پرونده

در توضیح سازمان لیگ، از «عده‌ای از تماشاگران» سخن گفته شده است؛ عبارتی که وقوع رفتار نامناسب را بیان می‌کند، اما جزئیات اساسی را روشن نمی‌سازد. چه رفتاری دقیقاً رخ داده؟ چه بخشی از ورزشگاه درگیر بوده؟ آیا تخلف از سوی افراد مشخص قابل شناسایی بوده است؟ چه اقدام فوری‌ای انجام شد؟ و چرا راه‌حل نهایی به توقف مسابقه منجر شود؟

شفافیت در چنین پرونده‌هایی فقط برای اطلاع‌رسانی نیست. گزارش دقیق به باشگاه‌ها امکان می‌دهد بدانند چه چیزی از آنها انتظار می‌رود؛ به تماشاگران نشان می‌دهد رفتارهای ممنوع چه پیامدی دارد و به نهادهای برگزارکننده کمک می‌کند تا مشخص کنند آیا مشکل از شناسایی و مداخله بوده، از کمبود نیرو و تجهیزات، یا از نبود قواعد روشن.

پرونده‌ای که فقط در کمیته انضباطی بررسی شود، ممکن است درباره پیامد یک مسابقه تصمیم بگیرد اما لزوماً علت‌های عملیاتی را روشن نمی‌کند. اگر هدف جلوگیری از تکرار باشد، بررسی باید از «چه کسی معصرت است؟» فراتر برود و به این پرسش هم برسد که «کدام بخش از سازوکار پیشگیری و کنترل کار نکرد؟»

مسئولیت باشگاه؛ نه پیش از آن، نه کمتر

باشگاه‌ها در برابر رفتار تماشاگران مسئولیت‌هایی دارند اما مرز این مسئولیت باید دقیق باشد. باشگاه نمی‌تواند کنترل کامل رفتار تک‌تک افراد را تضمین کند؛ در عین حال، نمی‌تواند از هرگونه نقض در ساماندهی هواداران، اطلاع‌رسانی و همکاری با برگزارکننده شانه خالی کند.

نظام مصنفانه باید میان دو موضوع تفاوت بگذارد. نخست، تخلف شخصی که فرد یا گروهی از تماشاگران مرتکب شده‌اند و دوم، قصور احتمالی باشگاه یا برگزارکننده در اجرای تعهدات خود. اگر باشگاه در اجرای مقررات بلیت‌فروشی، سازماندهی ورودی‌ها، اطلاع‌رسانی یا همکاری با عوامل اجرایی کوتاهی کرده باشد، باید پاسخگو باشد اما پاسخگویی باشگاه نباید به‌طور خودکار به مجازات همه تماشاگران یا محرومیت نامتناسب منجر شود.

این تکنیک همچنین به نهادهای فوتبال کمک می‌کند راهکارهای هدفمندتری طراحی کنند. اگر مسأله از عملکرد عوامل اجرایی است، مجازات تماشاگران پاسخ مناسبی نیست. اگر تخلف فردی قابل اثبات است، مجازات فردی باید در اولویت باشد. اگر ضعف ساختاری در مدیریت ورزشگاه وجود دارد، باید برای اصلاح آن برنامه و زمان‌بندی مشخص تعیین شود. یک حکم انضباطی واحد نمی‌تواند همه این مسأله‌ها متفاوت را حل کند. در مقررات انضباطی فوتبال ایران، مسئولیت رفتار تماشاگران بر عهده باشگاه میزبان است. به نقل از متن مورد استناد، ماده ۸۵ این مقررات می‌گوید هر باشگاه نسبت به اقدامات تماشاگران خود، عمده‌ای یا غیرعمده‌ای، مسئول و پاسخگوست و این مسئولیت شامل رفتار پیش و پس از مسابقه و بیرون از ورزشگاه هم می‌شود. از سال ۱۴۰۴ قرار شد باشگاه‌ها خودشان امنیت سکوها و کنترل بلیت‌فروشی را بر عهده بگیرند و قصور در این باره به احضار به کمیته انضباطی بینجامد. شماره ماده و جزئیات آن باید با متن رسمی مقررات تطبیق داده شود.

اما مسئولیت بدون ابزار اجرایی، تعهدی روی کاغذ است. باشگاه میزبان اگر دوربین شناسایی یا داده بلیت قابل ردیابی نداشته باشد، نمی‌تواند به‌طور مؤثر با خاطیان برخورد کند. از سوی دیگر، باشگاه میهمان هم که با توهین روبه‌رو می‌شود، تنها ابزارش ترک زمین است؛ اقدامی که خودش پیامدهای انضباطی دارد. وقتی یک باشگاه بازی را ترک می‌کند، کمیته انضباطی باید میان دو پرسش تصمیم بگیرد؛ آیا ترک بازی موجه بوده و آیا میزبان در تأمین امنیت قصور کرده است؟ پاسخ به هر دو، بر اساس گزارش رسمی مسئول برگزاری و داور، به‌دست خواهد آمد.

زیرساخت؛ وعده‌هایی که تکرار می‌شوند

کنترل ورزشگاه تنها با حکم انضباطی ممکن نیست. بلیت‌فروشی الکترونیکی، صندلی شماره‌دار، دوربین‌های مداربسته، گیت‌های ورودی و سامانه شناسایی، از ابزارهای رایج برای شناسایی فرد خاطی‌اند. اخیراً این مطالعه دانشگاهی منگین و وضعیت فناوری در ورزشگاه‌های ایران را ۲۰۵۷ از ۱۵ ارزیابی کرده و بر نیاز به نظارت بر رفتار تماشاگران و بلیت الکترونیکی تأکید کرده است و عملاً اگر بلیت الکترونیکی و دوربین‌های چهره‌زن اجرا نشود، عملاً در کنترل سکوها ناتوان هستیم.